

مقدمه

از آنجایی که ایران در کمربند زلزله آلپ-همالیا قرار دارد از نظر خطر زمینلرزه از جمله کشورهای آسیب پذیر جهان به شمار می رود. از این رو، هرگونه کوشش برای ارزیابی خطر دارای اهمیت زیادی است و می تواند موجب جلوگیری از تلفات جانی و خسارات مالی فراوان شود. با دخالت دادن عامل زلزله خیزی نواحی گوناگون در توزیع فضای سکونتگاههای انسانی، یا دست کم با وضع مقررات ایمنی متناسب با خطر زمینلرزه در پهنه های گوناگون، می توان از تلفات و خسارات ناشی از این گونه سوانح اجتناب ناپذیر کاست.

برای ارزیابی خطر در مکانیابی سکونتگاهها و فعالیتهای باید پیشاپیش نواحی مختلف از نظر خطر زمینلرزه مشخص شوند. در پاسخ به همین نیاز، در طرح کالبدی ملی ایران، مطالعات زمینلرزه در دستور کار قرار گرفت و در دو گروه - گروه «لرزه زمینساخت» و گروه «برآورد خطر زمینلرزه» - سازمان یافت.

در گروه نخست، کارشناسان «لرزه زمینساخت» با بررسی منابع داخلی و خارجی، سودجستن از عکسهای هوایی و تصاویر ماهواره ای، ارزیابی داده های زمینلرزه ای ایران زمین از منابع معتبر داخلی و خارجی، بازدیدهای صحرائی برای گردآوری اطلاعات تکمیلی و برداشتهای منظم از گسله های بنیادی کشور، دو نقشه هر یک در مقیاس ۱:۱۰۰۰/۱۰۰۰ تهیه کردند.

نقشه نخست نمایانگر گسله ها یعنی شکستهای پوسته جامد زمین است. احتمال دارد گسله های جنبا در آینده نیز دچار جابجایی شوند و در سازه هایی که بر روی آنها و یا در فاصله هایی از آنها ساخته می شوند، اثر بگذارند. از این رو، شناسایی هرچه دقیقتر و کاملتر گسله ها به ویژه گسله های کواترنر گام نخست در بررسی لرزه زمینساخت و خطر زمینلرزه - گسلش در پهنه هاست.

در نقشه دوم همان گروه با بررسی داده های لرزه خیزی - خواه زمینلرزه های تاریخی خواه زمینلرزه های ثبت شده دستگاهی - مراکز زمینلرزه های گذشته را مشخص کرد.

گروه دوم یعنی گروه «برآورد خطر زمینلرزه» با بررسی موقعیت گسله ها و خطواره ها و بر مبنای نتایج مطالعات گروه نخست و ژرف نگری در بانک داده های زمینلرزه ای و زمینلرزه های تاریخی، با تحلیل خطر زمینلرزه، نقشه های خمهای هم شتاب را برای بیشینه شتاب افقی حرکت زمین^۱ برای دوره های بازگشت ۵۰۰، ۱۰۰۰ و ۲۰۰۰ ساله تهیه کرد. این نقشه ها با سطوح گوناگونی طراحی و پایداری سازه ها در برابر خطر زمینلرزه مطابقت دارد. نقشه نخست برای «سطح مبنای طراحی»^۲ است که طی آن احتمال رویداد زمینلرزه دست کم یک بار در طول عمر مفید سازه وجود دارد. نقشه دوم برای «سطح بالای طراحی»^۳ است. در این حالت احتمال رویداد زمینلرزه در طول عمر مفید سازه کم است. نقشه سوم برای «سطح حداکثر قابل پیش بینی»^۴ است که بیانگر بیشترین میزان حرکت زمین می باشد. احتمال رویداد چنین زمینلرزه ای در طول عمر مفید سازه بسیار کم است.

^۱ - Peak Ground Acceleration

^۲ - Design Base Level (D.B.L.)

^۳ - Maximum Design Level (M.D.L.)

^۴ - Maximum Credible Level

پهنه بندی خطر زمینلرزه از درهم آمیختن نقشه خمهای بیشینه شتاب افقی حرکت زمین به دست آمده است.

- مطالعات لرزه زمینساخت

آنچه تحت این عنوان در زیر می آید چکیده ای از بخش نخست (بررسیهای لرزه زمینساختی) مجله‌های یک مجموعه شش جلدی^۵ است که با عنوان «مطالعات لرزه خیزی» در چهارچوب طرح کالبدی ملی تهیه شده و برای نخستین بار با توجه به پراکندگی و محدودیتهای زیاد اطلاعاتی موجود و بزرگی گستره مورد مطالعه (یعنی سراسر ایران زمین) در زمان کوتاهی انجام گرفته است.

شایان ذکر است که در این چکیده، نحوه ارائه و توصیف مطالب با «مجموعه گزارشها» کمی متفاوت است و در عمل اطلاعات موجود در گزارشهای شش جلدی، در محدوده ۱۰ منطقه مطرح برای اجرای «طرحهای کالبدی منطقه

^۵ -گره مطالعات لرزه زمینساخت طرح کالبدی ملی مطالعات زیر را انجام داده است:

- مطالعات لرزه خیزی گستره شمال باختری - مطالعات لرزه خیزی گستره شمال مرکزی
- مطالعات لرزه خیزی گستره شمال خاوری - مطالعات لرزه خیزی گستره جنوب باختری
- مطالعات لرزه خیزی گستره جنوب مرکزی - مطالعات لرزه خیزی گستره جنوب خاوری

ای» قالب بندی شده اند. به همین دلیل برای آگاهی بیشتر باید به گزارشهای مطالعات تفصیلی رجوع شود.

– تعریف مبنایی

شکستهای پوسته جامد زمین که در راستای آنها جابه جایی نسبی روی می دهد گسله^۶ نامیده می شوند. جنبش برشی^۷ در هر دو سوی گسله که از روی زمین تا ژرفای زیاد (گاهی تا ۳۰ کیلومتر و یا بیشتر) ادامه می یابد، به سبب انباشتگی تنشهای ناشی از جنبش قاره ها نسبت به یکدیگر و جنبشهای درون گوشته بالایی^۸ روی می دهد. بسیاری از گسله های شناخته شده در طی سالیان دور گذشته جنبشی داشته اند و ممکن است امروز جنبه^۹ نباشند، در حالی که دسته دیگر از گسله ها در کواترنر نیز جنبش دارند.

^۶ - Fault

^۷ - Shear

^۸ - Upper Mantle

^۹ - Active

گسله هایی که دارای یک یا چند ویژگی زیر باشند گسله های جنبیا یا توانمند^{۱۰} (گسله ای با توان جنبشی در روی زمین) به حساب می آیند (بربریان و همکاران، ۱۳۶۴):

۱. رویداد زمینلرزه تاریخی (بیش از سده بیستم) در بخشی از درازای گسله؛
۲. کانون یابی زمینلرزه های بزرگ با خطای کم در سده بیستم در نقطه ای از درازای گسله های راستالغز^{۱۱} و یا دیواره روکمر گسله های فشاری^{۱۲} و یا کششی^{۱۳}؛

۳. گسلش در رسوبات کواترنر پسین^{۱۴}؛ یک جنبش در ۳۵۰۰۰ سال پیش و یا دو جنبش یا بیشتر در ۵۰۰/۰۰۰ سال گذشته؛

۴. دیواره گسله^{۱۵} های جنبیا در روی کره زمین که بر اثر فرسایش از میان نرفته باشد؛

^{۱۰} - Capable Fault

^{۱۱} - Strike-Slip

^{۱۲} - Revers

^{۱۳} - Normal

^{۱۴} - Late Quaternary

^{۱۵} Fault Scarp

۵. رویداد کهلرزه ای^{۱۶} زیاد، هم بسته با رویه گسله که با شبکه کامل و بسته لرزه نگاری محلی با خطای کم در رومرکز و کانون ژرفی و زمان گیری یکنواخت برداشت می شود؛

۶. همبستگی زمینساختی یک گسله با گسله شناخته شده جنبا که به سبب جنبش آن در گسله مجاور نیز جنبش روی می دهد.

انتظار می رود گسله هایی با ویژگیهای فوق در آینده نیز دچار جا به جایی نسبی شوند و در هر گونه سازه ای که بر روی آنها قرار می گیرد، بُرش ایجاد کنند. در نتیجه، داده های مربوط به ژرفای کانونی و زمان رویداد در دست است و معمولاً تاریخ و زمان رویداد این زمینلرزه ها - که مهمترین آنها مورد بررسیهای دقیق نیز قرار گرفته اند - همراه با اطلاعاتی در باره طول و عرض جغرافیایی، بزرگا و ژرفای کانونی و امثال آنها با دستگاههای دور و نزدیک ثبت شده اند.

- لرزه زمینساخت منطقه البرز جنوبی (تهران)

- گسله های منطقه البرز جنوبی (تهران)

^{۱۶} - Microearthquake

از دیدگاه لرزه زمینساختی این منطقه در درون لرزه زمینساختی قرار می گیرد. در این ضمن راندهای با راستای شمال غربی - جنوب شرقی و شمال شرقی - جنوب غربی وجود دارند. تعداد قابل ملاحظه ای از این راندها جنبه بوده و در نتیجه حرکات روی داده در امتداد آنها موجب رخداد زمینلرزه های دهشت باری نیز شده اند. گسله های جنبه و توانمند منطقه تهران (شامل استانهای تهران، سمنان، مرکزی و زنجان) در نقشه نمایش داده شده است. مهمترین این گسله ها به شرح زیر هستند:

گسله دامغان: گسله ای است کوتاهتر، به درازای بیش از ۱۰۰

کیلومتر با بیشینه لرزه خیزی، راستای NE-SW،

احتمالاً با ساز و کار فشاری که از ۱۰ کیلومتری

شمال دامغان می گذرد.

گسله شاهوار: گسله ای است کوتاهتر، با راستای NE-SW و

شیب به سوی شمال باختری، ساز و کار فشاری و

درازای بیش از ۶۰ کیلومتر. رویداد حداقل سه

زمینلرزه - به ترتیب زمینلرزه ۱۸۹۰ م (۱۲۹۶ هـ -

ش) با بزرگای Ms 7.2، زمینلرزه ۱۸۹۱ م (۱۳۶۰

هـ. ش) با بزرگای Ms 4.9 و زمینلرزه ۱۹۸۴ م

(۱۳۶۳ هـ. ش) با بزرگای Ms 4.5 - را نتیجه

جنبش این گسله دانسته اند.

گسله ای است کوتاهتر، با جابجایی راستالغز، چپ

گسله آستانه: بر، درازای بیش از ۷۵ کیلومتر که احتمال ارتباط آن

با یک زمینلرزه وجود دارد.

گسله ای است به درازای بیش از ۴۰ کیلومتر،

سازوکار رانندگی، شیب به سوی شمال که در

گسله کهریزک:

رویداد سه زمینلرزه در سالهای ۶-۸۵۵م (۵-۲۳۴ هـ

. ش)، ۸۶۴ م (۲۴۳ هـ. ش) و ۴-۱۳۸۳ م (۳-۷۶۲

هـ. ش)، به ترتیب با بزرگای Ms5.3، Ms7.0

برای دو رویداد نخست، نقش داشته است.

گسله ای است به درازای ۲۰۰ کیلومتر، راستای

NW-SE، شیب به سوی شمال و شمال باختری

متغیر میان ۳۵ تا ۷۰ درجه، سازوکار فشاری که در

گسله مشا:

شمال خاوری روستای آهار و جنوب روستای روته

دوشاخه می شود. داده های موجود حاکی است که

حداقل ۱۰ زمینلرزه بین سالهای ۱۶۶۵ تا ۱۹۷۴

میلادی (۱۰۴۴ تا ۱۳۵۳ هـ. ش) به سبب جنبش

این گسله روی داده است.

این راندگی به درازای ۹۰ کیلومتر، راستای E-W با

شیب به سوی شمال در بخش خاوری و راستای

NW-SE خاوری با شیب به سوی شمال در بخش

راندگی شمال تهران: باختری، لرزه است و رویداد چهار زمینلرزه در

سالهای ۹۸۵ م (۳۶۴ هـ.ش)، ۱۱۷۷ م (۵۵۶ هـ.ش).

۱۸۹۵ م (۱۲۷۴ هـ.ش) و ۱۹۷۰ م (۱۳۴۹ هـ.ش).

را در پیوند با جنبش شدن این گسله دانسته اند.

گسله ای است با راستای تقریباً E-W در ازای

حداقل ۱۶/۵ کیلومتر، شیب به سوی شمال که به

صورت دیواره ای فرسوده در کنار جنوبی بزرگراه

ری-بهشت زهرا (در نزدیکی شاه عبدالعظیم) دیده گسله شمالی ری:

می شود. این گسله احتمالاً در رویداد چهار

زمینلرزه با بزرگان متغیر بین Ms 5.3 تا Ms 7.6

در سده های پیشین نقش داشته است.

گسله جنوب ری: گسله ای است با راستای NE-SW، که در جنوب

تپه باستانی موسوم به تپه غار و آبادی قلعه نو دیده می شود. این گسله نیز احتمالاً در رویداد چهار زمینلرزه سده های پیشین نقش داشته است.

گسله گرمسار: گسله ای است با راستای خاوری - باختری، درازای بیش از ۱۰۰ کیلومتر، سازوکار راندگی و شیب به سوی شمال. جنبش دوباره این گسله ممکن است سبب رویداد پنج زمینلرزه در سالهای بین ۷۴۳ تا ۱۹۸۸ م شده باشد.

گسله تلو پایین: گسله ای است کوتاه تر با درازای نزدیک ۲۰ کیلومتر، راستای NW-SE، شیب به سوی جنوب باختری با جابه جایی راستالغز راست بر.

گسله شیان-کوثر: گسله ای است با راستای خم دار NW-SE، درازای ۱۶ کیلومتر، شیب به سوی جنوب و جنوب باختری که در شمال تهران پارس به شکل دیواره دیده می شود.

راندگی نیاوران: این راندگی به درازای ۱۸ کیلومتر، راستای ENE-

WSW با جابه جایی نزدیک ۶۰۰ متر و چپ بر و

شیب به سوی شمال باختری به موازات و در فاصله

یک کیلومتری راندگی شمال تهران قرار دارد.

گسله محمودیه: گسله ای است به درازای ۱۱ کیلومتر، با راستای E-

W، سازوکار فشاری و شیب به سوی جنوب که از

۲ کیلومتری شمال خاور یونک تا انتهای بزرگراه

چمران در شمال هتل استقلال کشیده شده است.

گسله پیشوا: گسله ای است که کواترنر با راستای NW-SE،

درازای ۳۵ کیلومتر، ساز و کار فشاری و شیب به

سوی شمال خاوری که در جنوب خاوری ورامین

قرار گرفته است.

راندگی سرخه حصار: این راندگی خمدار از دو بخش شامل یک بخش

باختری با راستای E-W و شیب به سوی جنوب، و

یک بخش خاوری با راستای N.NW-S.ES و

شیب به سوی جنوب تشکیل شده است. درازای

راندگی ۲۲ کیلومتر است و در جنوب سرخه حصار

قرار دارد.

راندگی گرمابدر: این راندگی با راستای W.NW-E.SE، شیب به

سوی شمال خاوری و درازای ۸۰ کیلومتر از شمال

روستای گرمابدر تا جنوب روستای گچسرا ادامه

دارد.

گسله پارچین: گسله ای است به درازای حدود ۷۳ کیلومتر،

سازوکار فشاری، راستای NW-SE و شیب به

سوی شمال خاوری که از جنوب خاوری ایوانکی

تا امین آباد ادامه دارد.

گسله درازکوه: گسله ای است با راستای NE-SW، شیب به سوی

شمال باختری و درازای ۳۵ کیلومتر که تقریباً به

موازیات در شمال جاده سمنان-دامغان قرار دارد.

گسله فشاری ارمیان: گسله ای کوتاه تر با راستای E.NE-W.NW و

شیب به سوی جنوب خاوری و درازای ۸۷ کیلومتر

که از حدود ۲۰ کیلومتری خاور روستای

مهماندوست (خاور مغان) به سوی شمال خاوری

گسله فشاری کویر چاه ادامه دارد.

گسله ای است کوتاهتر بیش از ۹۲ کیلومتر، شیب

به سوی شمال باختری و با جابه جایی چپ بر که

در مجاورت کویر چاه جم (دق حاج علی قلی

رانندگی شاهرود: دامغان) قرار دارد.

این رانندگی با راستای خممدار NE-SW، درازای

نزدیک به ۳۹ کیلومتر و شیب به سوی شمال

دربخش خاوری، و شیب به سوی شمال تا شمال

باختری در بخش باختری، از شمال شهر شاهرود

رانندگی شمال بسطام: می گذرد.

این رانندگی با راستای خممدار NE-SW و درازای

گسله فشاری جنوب بسطام نزدیک به ۲۰ کیلومتر در شمال بسطام قرار دارد.

گسله ای است به درازای ۴۵ کیلومتر، شیب به سوی جنوب خاوری و با برش در نهشته های کواترنر که در جنوب بسطام قرار دارد.

این راندگی با راستای خممدار NE-SW شیب عمومی به سوی شمال باختری، از ۵ کیلومتری شمال شهر سمنان می گذرد.

گسله ای است با راستای تقریبی E-W، شیب به سوی شمال و درازای نزدیک به ۱۸ کیلومتر که در جنوب گسله فشاری جنوب بسطام قرار دارد.

گسله ای است با راستای خممدار NE-SW، درازای ۸۰ کیلومتر و شیب به سوی شمال در بخشهای خاوری - باختری، و شیب به سوی شمال باختریدر بخشهای میانی که در یال جنوب خاوری کوه گوگرد دیده می شود.

گسله ای است با راستای E-SW، شیب به سوی گسله فشاری فیروزکوه:

جنوب خاوری و درازای ۳۶ کیلومتر که از فاصله

کمتر از یک کیلومتری فیروزکوه می گذرد.

این راندگی به درازای ۲۲ کیلومتر، راستای NE-

راندگی انجیرلو:

SE-SW و شیب به سوی جنوب خاوری در

باختر شهر دامغان قرار دارد.

درازای این راندگی ۳۲ کیلومتر، راستای آن

راندگی نیاک:

W.NW-E.SE و شیب آن به سوی شمال است

در ناحیه خاوری کوه دماوند دیده می شود.

درازای این راندگی ۳۶ کیلومتر، راستای آن

راندگی لاسم:

W.NW-E.SE و شیب آن به سوی شمال و در

مجاورت روستای لاسم (حاده هراز) قرار دارد.

گسله ای است با راستای NE-SW، به درازای ۶۴

گسله اوریم:

کیلومتر و دارای جنبش از نوع چپ گرد.

گسله ای است با درازای ۵۲/۵ کیلومتر،

گسله فشاری بشم:

راستای NE-SW، شیب نزدیک ۵۰ درجه به سوی

جنوب خاوری که از ۶ کیلومتری شمال شه میرزاد
می گذرد.

گسله سفیدکوه (اوران): گسله ای است با راستای NE-SW، درازای
شناخته شده ۲۶ کیلومتر و شیب به سوی جنوب
باختری که در یال شمال باختری کوه لوران و یال
جنوب خاوری سفیدکوه قرار دارد.

راندگی چاشم: این راندگی به درازای شناخته شده ۴۴ کیلومتر،
راستای خم دار کم و بیش E-W و شیب عمومی به
سوی شمال در جنوب گسله اوریم قرار دارد.

گسله سرخ کلوت: گسله ای با راستای E-W و درازای ۳۵ کیلومتر که
در حدود ۱۵ کیلومتری شمال روستای اروان قرار
دارد.

راندگی عطاری: این راندگی با درازای شناخته شده ۳۲ کیلومتر،
دارای راستای NW-SE با شیب به سوی باختر-
جنوب باختری در بخش خاوری، و راستای NE-

SW با شیب به سوی جنوب-جنوب خاوری در

بخش باختری است.

گسله رباط کریم: گسله ای است با راستای NW-SE، شیب به سوی

جنوب باختری و درازای بیش از ۱۰۰ کیلومتر که

در بخش جنوبی رودخانه شور و به موازات آن

جای دارد.

گسله مره: گسله ای است با راستای NW-SE، درازای ۲۱

کیلومتر و شیب به سوی جنوب باختری که در سال

شمالی کوه مره قرار دارد.

گسله شمال خاوری گسله ای به درازای ۴۸ کیلومتر، راستای NW-SE

با سازوکار از نوع راندگی و شیب به سوی شمال دریای نمک:

خاوری که کرانه شمال خاوری دریای نمک را

تشکیل داده است.

راندگی سیاهکوه: این راندگی با درازای نزدیک به ۴۰ کیلومتر، راستای

خمدار NW-SE و شیب به سوی شمال-شمال

خاوری در حدود ۸۰ کیلومتری جنوب گرمسار واقع است.

گره گسله شاهکوه-کوه گسله های این گروه سازوکارهای گوناگون و راستای NW-SE دارند. شیب گسله های قاضی:

فشاری آنها به سوی شمال خاور و شیب گسله های گرانشی به سوی جنوب باختر و درازای شناخته شده آنها دست کم نزدیک به ۴۵ کیلومتر است. این گروه در یال جنوبی کوههای شاه کوه، لاشر و کوه قاضی واقع شده اند.

رانندگی گچاب: این رانندگی با درازای حدود ۴۰ کیلومتر، راستای کم و بیش E-W و شیب عمومی به سوی شمال در یال جنوبی کوه گچاب دیده می شود.

گسله فشاری ایپک: گسله ای است با راستای کم و بیش E-W، درازای بیش از ۸۵ کیلومتر و شیب به سوی جنوب باختری، این گسله در زمینلرزه بربین زهرا ۱۹۶۲

میلادی (۱۳۴۱ هـ. ش) با بزرگای Ms 7.2 جنبش

دوباره یافت.

گسله فشاری ایندس: گسله ای است با راستای NW-SE که منفرد

نیست و از چهار گسله موازی که طولی بیش از ۷۰

کیلومتر دارند تشکیل شده است. کارکرد این گسله

سبب فرونشست و زایش دشت ساوه شده است.

رویداد ۷ زمینلرزه در فاصله سالهای ۱۹۷۱ تا ۱۹۸۵

میلادی (۱۳۵۰ تا ۱۳۶۴ هـ. ش) به کارکرد این

گسله نسبت داده می شود.

گسله فشاری طالقان: گسله ای است با راستای تقریبی E-W، درازای ۶۴

کیلومتر با شیب به سوی جنوب، رویداد دو زمینلرزه

در سالهای ۱۹۶۶ میلادی (۱۳۴۵ هـ. ش) با بزرگای

Mb 5.0 و ۱۸۰۸ میلادی (۱۱۸۷ هـ. ش) را نتیجه

حرکت این گسله می دانند.

گسله فشاری خاور گسله ای است با راستای NW-SE و درازای

سلطانیه: شناخته شده بیش از ۲۰ کیلومتر که از شاهین دژ آغاز و در نزدیکی شمال شهر سلطانیه ناپدید می شود.

گسله فشاری شاهرود: گسله ای است با راستای SE-NW، در بخش خاوری و کم و بیش E-W در بخش باختری، درازای ۸۵ کیلومتر و شیب به سوی جنوب و جنوب و جنوب باختری. احتمالاً این گسله در رویداد زمینلرزه ۱۹۶۸ (۱۳۴۷ ه. ش) رودبارت - طالقان بابرگای Ms 7.6 نقش داشته است.

گسله فشاری شمال قزوین: گسله ای است به درازای ۶۰ کیلومتر، راستای کمابیش E-W و شیب کلی به سوی شمال. اختلاف بلندای ناگهانی میان شهر قزوین و نزدیکترین ستیغ به آن به سبب جنبش گسله فشاری قزوین به وجود آمده است. این گسله لرزه زاست، ولی به دلیل کمی داده ها تاریخچه آن به خوبی

گسله پوشیده ابهر: روشن نیست.

گسله ای است با راستای خمدار NW-SE و

گسله آشتهارد: درازای ۵۳ کیلومتر که از نزدیکی باختر ابهر می

گذرد.

گسله ای است به درازای ۶۲ کیلومتر، راستای

خمدار کم و بیش E-W و شیب به سوی شمال که

در ۴ کیلومتری شمال آشتهارد قرار دارد.

گسله آفتابرو: گسله ای است به درازای ۲۲ کیلومتر، راستای

NW-SE که در شمال خاوری گسله تفرش قرار

دارد.

گسله البرز:

گسله ای است با راستای خمدار و روند NW-SE

و درازای ۴۷ کیلومتر.

گسله ای است با راستای E.SE-W.NW،

گسله فشاری ازناپ: درازای ۲۵ کیلومتر و شیب به سوی جنوب باختری

که از فاصله ۱۲ کیلومتری شمال خاوری قم می

گذرد.

گسله باش بولاغ: گسله ای است با راستای خممدار کمایش E-W،

درازای ۴۵ کیلومتر و شیب عمومی به سوی شمال

گسله بالابان: که در ناحیه غرب ساوه قرار دارد.

گسله ای است با راستای E.SE-W.NW، درازای

گسله فشاری پرندهک: ۳۷ کیلومتر که به موازات گسله ایپک قرار دارد.

گسله ای است با راستای NW-SE و شیب به

سوی جنوب باختری که در شمال گسله آوج قرار

دارد.

گسله بیدهند: گسله ای است با راستای NW-SE، درازای

نزدیک به ۴۵ کیلومتر و شیب به سوی شمال

خاوری. برشی ناشی از رویداد این گسلش در روی

زمین دیده نمی شود.

گسله ای است با راستای خممدار و جهت NW-

SE در بخش شمالی و راستای N.NW-S.SE در

گسله پراچین: بخش جنوبی و درازای نزدیک به ۴۰ کیلومتر که در فاصله حدود ۴۰ کیلومتری قم شروع می شود و بهسوی جنوب - جنوب خاوری ادامه می یابد.

گسله پوشیده تارم: گسله ای است به درازای نزدیک به ۲۰ کیلومتر، راستای خمدار NW-SE، ساز و کار فشاری و شیب به سوی شمال خاوری که در ناحیه شمال شهرک طالقان قرار دارد.

گسله ای است به درازای ۱۲۰ کیلومتر، راستای NW-SE و شیب به سوی شمال خاوری. برش راندگی تفرش: ناشی از رویداد این گسله بر روی زمین دیده نمی شود این گسله در شمال ناحیه ابهر-سلطانیه دیده می شود.

گسله ای است با راستای NW-SE، شیب به سوی جنوب باختری و درازای ۴۳ کیلومتر که داز فاصله

گسله تلخاب: ۵ کیلومتری جنوب باختری قم و تفرش می گذرد.

راندگی تفرش نقش بنیادی در فرونشست و تشکیل

دشت تفرش داتشه و مرز جنوب باختری آن را می

سازد. گسله جنوب اشتهارد:

گسله ای است با راستای NW-SE، شیب به سوی

شمال خاوری و درازای نزدیک به ۵۰ کیلومتر که از

نزدیکی روستای تلخاب در شمال اراک می گذرد. گسله پوشیده چپقلو:

گسله ای است با راستای E-W، درازای ۵۲

کیلومتر و شیب به سوی جنوب که از نزدیکی شهر

اشتهارد می گذرد. گسله خشک رود:

گسله ای است به درازای ۱۵۰ کیلومتر، راستای

NW-SE و شیب به سوی شمال خاوری که در

یال جنوب باختری کوههای سلطانیه قرار دارد.

گسله داخلی: گسله ای است با راستای خمدار W.NW-E.SE،

درازای نزدیک به ۱۱۱ کیلومتر، سازوکار فشاری و

شیب به سوی شمال که در فاصله حدود ۵۰

گیسله سینک: کیلومتری شمال ساوه قرار دارد.

گیسله ای است با راستای خممدار کمابیش NW-

SE، درازای ۳۷ کیلومتر و شیب به سوی جنوب

گیسله شمال حوض باختری که در ناحیه جنوب باختری بوئین زهرا قرار

سلطان: دارد.

گیسله ای است با راستای W.NE-E.SE و درازای

گیسله فشنند: ۳۳ کیلومتر که در جنوب باختری گسله لوزه زای

ایپک قرار دارد.

گیسله ای است با راستای خممدار NW3-SE، شیب

به سوی شمال خاوری و درازای ۴۰ کیلومتر که در

۵ کیلومتری شمال دریاچه حوض سلطان قرار دارد.

گیسله قره قاش: گسله ای است با راستای خممدار W-SE، سازوکار

راندگی و شیب کلی به سوی شمال که درازای آن

۲۲ کیلومتر است. این گسله از سوی شمال باختری

گسله جنوب قم: با گسله طالقان و از سوی جنوب خاوری با گسله
مشا تلاقی می کند.

گسله ای است با راستای NW-SE و درازای ۵۰
کیلومتر که در جنوب و به موازات گسله کوشک
گسله فشاری کوشک نصرت قرار دارد.

گسله ای است با راستای خمدار NW-SE، شیب
نصرت:

به سوی جنوب - جنوب باختری، سازوکاری

فشاری و درازای نزدیک به ۴۵ کیلومتر که از

نزدیکی (جنوب - جنوب باختری) شهر قم می
گذرد. گسله ماه نشین:

گذرد.

گسله ای است به درازای ۱۶۰ کیلومتر که در پهنه

شمالی ساوه قرار دارد. این گسله خمدار با راستای

عمودی NW-SE و با سازوکار فشاری (زاویه باز

و راستالغز) است.

گسله ای است با راستای خمدار NW-SE، درازای

بیش از ۶۵ کیلومتر و شیب به سوی خاور شمال

باختری که در فاصله حدود ۸۰ کیلومتری شمال

خاوری تکاب دیده می شود.

– لرزه خیزی منطقه البرز جنوی (تهران)

لرزه خیزی منطقه البرز جنوبی با بررسی زمینلرزه های تاریخی و مطالعه

زمینلرزه های ثبت شده دستگاهی ارزیابی شده است. بررسی زمینلرزه های

تاریخی مهم مانند زمینلرزه سده چهارم پیش از میلاد ری-ایوانکی، ۸۵۶م

(۲۳۵ هـ . ش) ری، ۸۵۶ م (۲۳۵ هـ . ش) کومس، ۸۶۴م (۲۴۳ هـ . ش)

ری، ۹۵۸ م (۳۳۸ هـ . ش) ری – طالقان، ۱۱۷۷ م (۵۵۶ هـ . ش) ری-

قزوین، ۱۸۳۰ م (۱۲۰۹ هـ . ش) دماوند-شمیرانات، ۱۸۹۰ م (۱۲۶۹ هـ .

ش) تاش-شاهرود، ۱۸۹۵ م (۱۲۷۴ هـ . ش) تهران، ۱۹۲۷ م (۱۳۰۵ هـ .

ش) دشت کویر، ۱۹۴۰ م (۱۳۱۹ هـ . ش) تهران، ۱۹۴۵ م (۱۳۲۴ هـ . ش)

گرمسار ۱۹۴۷ م (۱۳۲۶ هـ . ش) لواسانات، ۱۹۵۱ م (۱۳۲۹ هـ . ش)

تهران، ۱۹۴۵ م (۱۳۲۴ هـ . ش) گرمسار، ۱۹۴۷ م (۱۳۲۶ هـ . ش)

لواسانات، ۱۹۵۱ م (۱۳۲۹ هـ . ش) تهران، ۱۹۵۳ م (۱۳۳۲ هـ . ش) ترود،
۱۹۵۴ م (۱۳۳۳ هـ . ش) گرمسار، ۱۹۵۵ م (۱۳۴۴ هـ . ش) مشاء، ۱۹۶۷ م
(۱۳۴۶ هـ . ش) دامغان، ۱۹۷۱ م (۱۳۵۰ هـ . ش) تهران، ۱۹۷۰ م (۱۳۴۹
هـ . ش) رودبار قصران، ۱۹۷۲ م (۱۳۵۱ هـ . ش) دماوند-تهران، ۱۹۷۳ م
(۱۳۵۲ هـ . ش) تهران، ۱۹۷۴ م (۱۳۵۳ هـ . ش) رودهن، ۱۹۷۷ م (۱۳۵۶
هـ . ش) دریاچه نمک، ۱۹۸۲ م (۱۳۶۱ هـ . ش) شمال دامغان، ۱۹۸۲ م
(۱۳۶۱ هـ . ش) گرمسار، ۱۹۸۳ م (۱۳۶۳ هـ . ش) گرمسار، ۱۹۸۳ م
(۱۳۶۲ هـ . ش) رودهن، ۱۹۸۸ م (۱۳۶۵ هـ . ش) گرمسار، نشان می دهد
که گستره مورد بررسی از دیدگاه لرزه زمینساختی گستره ای کاری و لرزه
خیز است.

- برآورد خطر نسبی زمینلرزه

خطر زمینلرزه در یک منطقه بر مبنای پارامترهای حرکت نیرومند زمین (نظیر شتاب، سرعت و تغییر مکان) و با در نظر گرفتن دوره بازگشت معین رویداد زمینلرزه در آن منطقه تعریف می شود. در این راستا، باید چشمه های لرزه ای منطقه (چشمه های نقطه ای، خطی و ناحیه ای) شناسایی و به هر یک از این چشمه ها سرشت لرزه خیزی منطقه نسبت داده شود. برآورد دوره های بازگشت رویداد زمینلرزه برای هر یک از چشمه های لرزه زا با به کارگیری تابع توزیع انباشتی و معرفی ضرایب آن امکانپذیر است و سرانجام می توان با به کارگیری مدل احتمالی و مدل کاهیدگی^{۱۷}، پارامترهای حرکت نیرومند زمین (شتاب، سرعت و تغییر مکان) را برای دوره های بازگشت مختلف برآورد کرد.

در این پژوهش، بر پایه مطالعات لرزه زمینساخت مناطق مختلف ایران و شناسایی چشمه های لرزه زا و نسبت دادن سرشت لرزه خیزی به هر یک از این چشمه ها (پارامتر لرزه خیزی β و λ ، آهنگ رویداد زمینلرزه، حداکثر

^{۱۷} - Attenuation Relationships

توان لرزه زایی) و به کارگیری توزیع انباشتی دو کرانه ای گوتنبرگ - ریشتر و مدل احتمالی تغییر شکل یافته کرنل (۱۹۷۱)، مک گایر (۱۹۷۸) و بندر و پرکینز (۱۹۸۷) و مل کاهیدگی شتاب حرکت نیرومند زمین میل (۱۹۹۰)، بیشینه شتاب افقی حرکت نیرومند زمین برای دوره های بازگشت رویداد گوناگون برای نقاطی به فاصله نیم درجه عرض شمالی و نیم درجه طول خاوری در گستره ایران زمین برآورد شده است.

برآورد پارامترهای لرزه خیزی

برای پی بردن به سرشت لرزه خیزی هر استان لرزه زمینساخت، باید پارامترهای لرزه خیزی (λ و β) آن استان را برآورد کرد. فرض اساسی در برآورد این پارامترها مستقل بودن رویدادهای زمینلرزه از یکدیگر است. از این رو، از فهرست رویداد زمینلرزه ها باید پیشلرزه ها و پس لرزه ها را حذف و توزیع پواسونی زمینلرزه را برقرار کرد. در برآورد پارامترها، لازم است میزان خطای بزرگان زمینلرزه های گذشته نیز در نظر گرفته شود.

متداولترین روش حذف پیشلرزه ها و پسلرزه ها کاربرد پنجره های^{۱۸} زمانی و مکانی است. در این بررسی از روش پنجره های متغیر استفاده شده است

که شکل عمومی آن عبارت است از:

$$\text{Log } T = aM + b$$

$$\text{Log } L = a'M + b'$$

T گسترش زمانی برحسب روز و L گسترش مکانی پیشلرزه ها و پسلرزه ها برای بزرگای معین برحسب کیلومتر است. A، a'، b و b' ضرایب ثابت الگو هستند که برای هر گستره با توجه به ویژگیهای آن استان تعریف می

شوند. الگوی پذیرفته شده به شرح جدول صفحه بعد است.

^{۱۸} - Windowing Method

گسترش زمانی و مکانی پیشلرزه ها و پسلرزه ها

بزرگای زمینلرزه	گسترش زمانی	گسترش مکانی
	روز	(کیلومتر)
$Ms < 4/4 < 3/6$	۲۱	۳۰
$Ms < 5/4 < 4/5$	۷۷	۴۰
$Ms < 6/4 < 5/5$	۲۵۵	۵۴
$Ms < 7/4 < 6/5$	۴۵۷	۷۰

در این بررسی، با استفاده از الگوی کیجکحو (۱۹۹۲) برای زمینلرزه های پیش از قرن حاضر با کیفیت a و b (امبراسیز و ملویل، ۱۹۸۲) خطای بزرگای ۰/۳ واحد در نظر گرفته شده است. برای زمینلرزه های قرن حاضر که پیش از نصب شبکه لرزه نگاری جهانی در ایران رخ داده اند، خطای ۰/۲ واحد بزرگای و برای دیگر زمینلرزه ها خطای ۰/۱۵ واحد بزرگای حساب شده است. اگر رویداد زمینلرزه های اصلی از فرایند پواسنی تبعیت کند، برای برآورد β و λ می توان از تابع توزیع دو کرانه ای گوتنبرگ - ریشتر سود جست.

نتیجه محاسبات در استانهای لرزه زمینساخت سرزمین ایران برای پارامتر لرزه خیزی (β) و آهنگ رویداد سالانه (λ) برای بزرگای آستانه به شرح جدول زیر است.

برآورد پارامتر لرزه خیزی (β) و آهنگ رویداد سالانه (λ) برای بزرگای

آستانه

آهنگ رویداد	بزرگای آستانه	پارامتر لرزه	استان لرزه زمینساخت
سالانه	MS	خیزی	
(λ)		(β)	
۱/۸۵	۴/۲	۱/۶۹	آذربایجان
۰/۷۸	۴/۲	۱/۴۴	البرز
۰/۵۸	۴/۲	۱/۵۹	ایران مرکزی
۳/۴۵	۴/۲	۱/۹۶	شمال باختری زاگرس
۱/۴۷	۴/۵	۱/۷۱	جنوب خاوری زاگرس
۱/۱۶	۴/۵	۱/۴۸	لوت
۰/۲۲	۴/۵	۱/۰۳	مکران

www.kandoo.cn.com

۱/۱۸	۴/۱	۱/۶۰	بینالود
۰/۳۰	۴/۱	۱/۲۵	کپه داغ

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

– دوره بازگشت رویداد

دوره بازگشت رویداد با در نظر گرفتن میزان پذیرش خطر در طول عمر مفید سازه حساب می شود. میزان پذیرش خطر تابع اهمیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی سازه است. این درصد خطر برای سطوح گوناگون طراحی متفاوت است. در امر شهرسازی، چون در صورت بروز سانحه جان انسانها به خطر می افتد، شرط احتیاط ایجاب می کند که خطر کمتری پذیرفته شود. میزان پذیرش برای سطوح مختلف طراحی متفاوت است (سطوح مختلف طراحی در بند ۱.۳.۲ بیان شده است). میزان پذیرش خطر کمتر از ۵ درصد برای سطح لرزه ای حداکثر قابل پیش بینی (M.C.L.)، مثلاً برای کنترل ایستایی بیمارستانها؛ میزان خطر ۱۰ درصد برای سطح لرزه ای بالای طراحی (M.D.L) و میزان پذیرش ۲۰ تا ۵۰ درصد برای سطح مبنای طراحی (D.B.L.) پذیرفته شده است. عمر مفید ساختمانها، با توجه به مصالح ساختمانی به کار رفته، معمولاً ۲۵ تا ۱۰۰ سال در نظر گرفته می شود.

درصد پذیرش خطر					دوره بازگشت	عمر مفید
۵٪	۱۰٪	۳۷٪	۵۰٪	۶۴٪	و احتمال رویداد	سازه (سال)
۴۸۸	۲۳۸	۵۵	۳۷	۲۵	دوره بازگشت (سال)	۲۵
۰/۰۰۲۰	۰/۰۰۴۲	۰/۰۱۸۲	۰/۰۲۷۰	۰/۰۴۰۰	احتمال رویداد (در هر سال)	
۹۷۵	۴۷۵	۱۱۰	۷۳	۵۰	دوره بازگشت (سال)	۵۰
۰/۰۰۱۰	۰/۰۰۲۱	۰/۰۰۹۱	۰/۰۱۳۷	۰/۰۲۰۰	احتمال رویداد (در هر سال)	
۱۴۶۵	۷۱۵	۱۶۵	۱۱۰	۷۵	دوره بازگشت (سال)	۷۵
۰/۰۰۰۷	۰/۰۰۱۴	۰/۰۰۶۱	۰/۰۰۹۱	۰/۰۱۳۲	احتمال رویداد (در هر سال)	
۱۹۵۰	۹۵۰	۲۲۰	۱۴۵	۱۰۰	دوره بازگشت (سال)	۱۰۰
۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۱۰	۰/۰۰۴۵	۰/۰۰۶۹	۰/۰۱۰۰	احتمال رویداد (در هر سال)	

میزان خطر ۱۰ درصد برای سطح لرزه ای بالای طراحی (M.D.L.) و میزان

پذیرش ۲۰ تا ۵۰ درصد برای سطح مبنای طراحی (D.B.L.) پذیرفته شده

است. عمر مفید ساختمانها، با توجه به مصالح ساختمانی به کار رفته، معمولاً ۲۵ تا ۱۰۰ سال در نظر گرفته می شود.

در جدول صفحه قبل بر اساس مفروضات گوناگون در مورد عمر مفید سازه (از ۲۵ تا ۱۰۰ سال) و برزای میزانهای متعارف پذیرش خطر (از ۵ تا ۶۴ درصد)، دوره های بازگشت محاسبه شده است. هرچه عمر مفید سازه بیشتر باشد، باید انتظار رویداد زمینلرزه بزرگتری را داشت. دوره بازگشت بر اساس رابطه زیر حساب می شود:

$$T_r = 1/P = 1/[1 - (1 - q)^n]$$

در این رابطه n عمر مفید سازه، q درصد پذیرش خطر، P احتمال رویداد و T_r دوره بازگشت رویداد بر حسب سال است. عمر مفید ساختمانها بسته به نوع مصالح ساختمان و استفاده ای که از سازه خواهد شد، متفاوت است. برای مثال، ساختمانهای با مصالح بنایی معمولاً دارای عمر مفید ۲۵ تا ۵۰ سال هستند و ساختمانهای با مصالح بتن آرمه و فلزی عمر مفید بیشتری دارند چون عمر مفید بناهای شهری یکسان نیست، می توان با احتیاط دوره بازگشت ۵۰۰ ساله را برای سطح لرزه ای مبنای

طراحی، دوره بازگشت ۲۰۰۰ ساله را برای سطح لرزه ای حداکثر قابل پیش

بینی در نظر گرفت.

- بیشینه شتاب افقی

معمولاً در تحلیل سازه ها از میان پارامترهای حرکت زمین بر اثر رویداد زمینلرزه، پارامتر بیشینه افقی جنبش نیروند زمین^{۱۹} کاربرد بیشتری دارد، هرچند دیگر نمی توان آن را تنها عامل تعیین کننده درجه بندی خطر دانست، به هر حال، از آنجا که ارقام بیشینه شتاب افقی قرینه ای برای درجه بندی مذکور است، در پژوهش حاضر این پارامتر برای نقاط متفاوتاً کشور برآورد شده است.

در این راستا انتخاب رابطه کاهیدگی^{۲۰} این پارامتر نسبت به سرچشمه های لرزه زا حائز اهمیت است. پارامترهای انتشار تأثیر پراکنش موج^{۲۱}، کاهیدگی هندسی^{۲۲} و کاهیدگی غیرالاستیک زمین را هنگام سیر موج از کانون زمینلرزه به نقطه مورد نظر (ساختگاه سازه یا شهر) مشخص می کند.

در پژوهش حاضر برای برآورد پارامتر مورد بحث از رابطه کاهیدگی کمپیل (۱۹۹۰) استفاده شده است. برای به دست آوردن این رابطه بیشتر از

^{۱۹}- Peak Ground Acceleration

^{۲۰}- Attenuation Relation

^{۲۱}- Wave Scattering

^{۲۲}- Geometrical Attenuation

شتابگاشتهای زمینلرزه های شمال باختری امریکا و گاهی دیگر نقاط از جمله زمینلرزه شهر یورماه ۱۳۵۷ طبس استفاده شده است. با توجه به اینکه میزان کاهیدگی شتاب در ایران بیشتر از شمال باختری امریکاست، به کار گیری الگوی کمبل در ایران محافظه کارانه می نماید.

در این بررسی، الگوی احتمالی خطر زمینلرزه برای برآورد بیشینه شتاب افقی حرکت زمین مدل تغییر شکل یافته کرنل (۱۹۶۸ و ۱۹۷۱) و مک گایر (۱۹۷۶ و ۱۹۷۸) است. این الگو به الگوی بندر و پرکینز (۱۹۷۸) شباهت دارد.

برای برازش^{۳۳} الگو از سرچشمه های ناحیه ای و خطی ارزه زای کشور استفاده شده است؛ نتیجه به صورت خمهای هم بیشینه شتاب افقی از خطر زمینلرزه با دوره های بازگشت ۵۰۰، ۱۰۰۰ ساله، در نقشه های صفحه بعد ترسیم شده است.

^{۳۳} - Fitting